

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سوره مبارکه کوثر (جله چهارم)

نختم منسومی استاد اخوت ۹۴/۹/۲۸

بحث ما در این چند جلسه سوره کوثر بود.

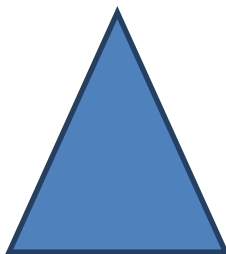
جلسه اول واژه‌ها را مورد بررسی قرار دادیم. راجع به کثرت و انواعش صحبت کردیم. با توجه به دعای حضرت امیر المومنین (ع) ۴ نوع کثرت عددی، ملئی، تضایفی را مطرح کردیم و گفتیم بهترین نوع کثرت همین جمعیت و نسل و ذریه است.

امروز می‌خواهیم مولفه‌های کثرت و کوثر را در بیاوریم و ارتباط کوثر را با صل، نحر، شانی و ابتر در بیاوریم و ربط بدهیم به زندگی خودمان. که اگر ما از کوثر بهره ببریم چه اتفاقی در زندگی مان می‌افتد. پس اول کوثر بینی فعال شده و بعد اجرایی می‌شود.

بخشی از این بحث‌ها عقلی است و بعدا تکمیل می‌شود. کثرت با مقایسه معلوم می‌شود. نسبت و مقایسه در آن وجود دارد. این فرض اولیه ماست. بعد فاصله‌ای از جانب یک ذی شعور احساس می‌شود. این فهم قرب و بعد است. مثلا در سوره کهف دونفری که درباره اموالشان صحبت می‌کنند می‌گویند که مال و فرزندان من از تو بیشتر است، مساحت باغ خودش را مقایسه می‌کند با دیگران. فاصله خود و دارایی‌ها را کم می‌بیند و فاصله‌ی دیگران با دارایی را زیاد می‌بیند. قرب و بعد احساس می‌کند. این به مبنای فکری برمی‌گردد که مال و فرزند را خیر می‌بیند.

پس حداقل سه مولفه در بحث کثرت وجود دارد. مقایسه با مبدأ خیر، فاصله از مبدأ خیر و مبدأ خیر. مفهوم کثرت یک پایه‌ی فطری دارد. کسی که خلق شده و در نظام خلقت انسانیت قرار می‌گیرد کثرت را می‌فهمد. فهم این کثرت از کودکی با فهم مقایسه اتفاق می‌افتد. اگر مقایسه را نفهمد، کم و زیادی را نمی‌فهمد.

مبدأ خیر



فاصله

مقایسه

منظور از مبدأ خیر، امر وجودی است. وقتی می‌گوییم خیر، منظورمان وجود است. مثلاً وقتی کسی می‌گوید که من ناراحتم، این یک امر وجودی است. چون ابتدا رضایت را که یک امر وجودی است در نظر می‌گیرد و بعد فقدان این رضایت را ناراحتی می‌نامد و ابراز می‌کند.

کثرت مفهوم پایه‌ای است. وقتی می‌گوییم این شیء بزرگتر از آن شیء است، یعنی این زیادتر بزرگ است. عظیم، کبیر، اکبر، اعظم در همه مفهوم کثرت وجود دارد. ما می‌توانیم کثرت را در مخلوقات ببریم و بحث را تکوینی کنیم، می‌توانیم در حوزه انسان بیاوریم و این باعث می‌شود که از حالت انتزاعی بیرون بیاید. و این به این معنا نیست که کثرت در دیگر مخلوقات جاری نیست.

نتیجه اینکه ما زمانی که در قرآن کوثر را بررسی می‌کنیم می‌بینیم که فقط یکبار آمده و ریشه‌ی این کلمه از کثرت است. کثرت هم در قرآن زیاد نیست. وقتی مفهوم گیری می‌کنیم می‌بینیم که چیزی در قرآن نیست که در آن کثرت نباشد. در روایات هم کوثر زیاد نیامده است و برای بیان این مطلب از مفاهیمی استفاده کردند که به سمت این مفهوم جهت دهی کند.

چون انسان می‌تواند مقایسه کند و فاصله از مبدأ خیر را درک کند، خیر شناسی و خیر گزینی در او اتفاق می‌افتد. مفاهیمی که در آن‌ها خیر شناسی باشد، مفاهیمی فطری هستند، عمومیت دارند. انه لخب الخیر لشدید. ولی مصادیق خیر در ۷ سال‌ها متفاوت است. اگر کسی در ۷ سال دوم هنوز دنبال مصادیق خیر در ۷ سال اول باشد اشتباه است. در هر حالتی انسان خیر گزینی دارد.

بحث مقایسه و فاصله و مبدأ خیر هر کدام مهم هستند و در واقع همه‌ی انحرافات انسان از این مفاهیم آغاز می‌شود. این که خود را با چه چیز مقایسه کند و فاصله‌اش را با چه چیز بسنجد، این می‌شود مبدأ هدایت یا ضلالت. وقتی به

سمت پایه‌ی مفاهیم برویم می‌توانیم نظام آموزشی طراحی کنیم. شما می‌دانید مبدأ هدایت و ضلالت این است که انسان مقایسه و فاصله‌هایش را درست کند. فهم فاصله و مقایسه‌ها، مفاهیمی است که باید در ۷ سال اول و دوم کار بشود.

مثال: رویت در انسان به دلیل فاصله اتفاق می‌افتد. حتی رویت خیالی هم با فاصله است. اگر دو مفهوم فاصله نداشته باشند نمی‌توان آن‌ها را دید. مثلاً خیر و حُسن. شما بین این دو مفهوم فاصله ایجاد می‌کنید تا این دو مفهوم را بفهمید.

مفهوم کثرت از تفصیل و مراتب فهمیده می‌شود و کثرت در محدوده‌ی مخلوقات است. تمایز اسماء خدا حیثیتی است و عینی نیست. از جهات مختلف، الله را می‌شناسیم.

مثلاً عاص بن وائل با چندین فرزندش الان نابود شده و پیامبر با یک فرزندش در تمام دنیا شناخته شده است. کوثر یعنی این. همه‌ی آدم‌ها باید محزون بشوند، ولی در جای خودش. اگر حزن نبود که به پیامبر امر لاتحزن نشده بود. عاص تعداد فرزندانش را زیاد می‌دید. در جنگ تعداد دشمن زیاد را می‌بینید و می‌ترسید در حالیکه حق، یعنی همه. دیگر تعداد زیاد دشمن ترس ندارد. اصلاً دشمنی نیست. هر چه انسان از مبدأ یعنی خدا دور شود رحیم است. و هر چه نزدیک شود رحیم است.

تعرف الاشياء باضدادها، یعنی از ضد می‌توان اشیاء را شناخت. ضد با متناقض فرق می‌کند. متناقض نه با هم جمع می‌شوند و نه با هم رفع می‌شوند، ولی متضاد می‌توانند با هم نباشند ولی با هم جمع نمی‌شوند. خوبی و بدی دو مفهوم متناقض هستند. یک چیز یا خوب است یا بد است. حالت سومی ندارد. هر چه از بد فاصله داشت خوب است. و هر چه از خوب فاصله داشت بد است.

ایمان دو جزء دارد: صبر و شکر. هر چیز در این عالم قابل تفصیل و جزء شدن دارد. حتی وقتی نماز می‌خوانیم ارکان دارد. در ذکر هم جزء و رکن وجود دارد. از یک طرف باید عالم را جزء جزء بینی و از یک طرف باید وحدت بینی. حتی مفهومی مثل ذکر هم جزء دارد. بسیط‌ترین مفهوم در عالم ذکر است. یک وقت کثرت را در اجزاء می‌بینی، مثلاً می‌گویی نماز ۵ رکن دارد، واجباتش هم ۱۰ تا است. ولی در جنگ، الله اکبر نماز را گفتن کافی است. می‌گویند در جنگ صفین از ظهر تا صبح روز بعد هیچ وقتی برای نماز خواندن نبود. از امیرالمومنین (ع) حکمش را پرسیدند، فرمودند فقط بگویند الله اکبر.

همه‌ی مخلوقات جزء دارند. مخلوقات مفهوم تمام پیدا می‌کنند، نسبت به اجزاء و مفهوم کمال پیدا می‌کنند نسبت به غایت. تمام یعنی اجزایش کامل باشد. کمال یعنی تا غایت برود. ممکن است چیزی اجزایش تمام باشد ولی دچار آسیب شود و به غایت نرسد.

\*\*\*

### (ساعت دوم)

برای استخراج مولفه‌های کوثر از روایات شروع می‌کنیم. و بعد اگر فرصت شد آیات را می‌آوریم.

مولفه‌های کثرت (فاصله، مقایسه، مبدأخیر) که ساعت قبل گفته شد در بسترهای مختلف فعل، اثر، اجزا و... قابل رویت بود. در واقع اجزا و فعل و اثر مولفه نبودند، بلکه بستری بودند که مولفه‌های کثرت را می‌توان در آن‌ها دید. اگر بخواهیم دعا‌های حوزه استغفار که زیاد و انصافاً پر مطلب هستند را بینیم چند جلسه طول می‌کشد. امام معصوم (ع) گناهان خود را و فاصله‌اش را تا خدا زیاد می‌بیند. این فاصله‌شناسی و پر کردن این فاصله یعنی استغفار. پر کردن فاصله‌ی خود تا خالق برای دریافت رحمت استغفار نام دارد. غفران یعنی حذف فاصله. غفران با قرب ارتباط پیدا می‌کند.

### ❖ (دعای سمات)

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ الْأَعَزُّ الْأَجَلُّ الْأَكْرَمِ الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ عَلَى مَعَالِقِ أَبْوَابِ السَّمَاءِ لِفَتْحِ بِالرَّحْمَةِ انْفَتَحَتْ وَ إِذَا دُعِيَ بِهِ عَلَى مَضَائِقِ أَبْوَابِ الْأَرْضِ لِلْفَرْجِ انْفَرَجَتْ وَ إِذَا دُعِيَ بِهِ عَلَى الْعُسْرِ لِلْيُسْرِ تَيْسَّرَتْ وَ إِذَا دُعِيَ بِهِ عَلَى الْأَمْوَاتِ لِلنُّشُورِ انْتَشَرَتْ وَ إِذَا دُعِيَ بِهِ عَلَى كَشْفِ الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَائِ انْكَشَفَتْ وَ بِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ أَكْرَمِ الْوُجُوهِ وَ أَعَزُّ الْوُجُوهِ الَّذِي عَنَتَ لَهُ الْوُجُوهُ وَ خَضَعَتْ لَهُ الرَّقَابُ وَ خَشَعَتْ لَهُ الْأَصْوَاتُ وَ وَجَلَتْ لَهُ الْقُلُوبُ مِنْ مَخَافَتِكَ وَ بَقْوَتِكَ الَّتِي تُمَسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِكَ وَ تُمَسِكُ السَّمَاءَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَ بِمَشِيئِكَ الَّتِي دَانَ لَهَا الْعَالَمُونَ وَ بِكَلِمَتِكَ الَّتِي خَلَقْتَ بِهَا السَّمَاءَاتِ وَالْأَرْضَ وَ بِحِكْمَتِكَ الَّتِي صَنَعْتَ بِهَا الْعَجَائِبَ وَ خَلَقْتَ بِهَا الظُّلْمَةَ وَ جَعَلْتَهَا لَيْلًا وَ جَعَلْتَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَ خَلَقْتَ بِهَا النُّورَ وَ جَعَلْتَهُ نَهَارًا وَ جَعَلْتَ النَّهَارَ نُشُورًا مُبْصِرًا وَ خَلَقْتَ بِهَا الشَّمْسَ وَ جَعَلْتَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَ خَلَقْتَ بِهَا الْقَمَرَ وَ جَعَلْتَ الْقَمَرَ نُورًا وَ خَلَقْتَ بِهَا الْكَوَاكِبَ وَ جَعَلْتَهَا نُجُومًا وَ بُرُوجًا وَ مَصَابِيحَ وَ زِينَةً وَ رُجُومًا وَ جَعَلْتَ لَهَا مَشَارِقَ وَ مَغَارِبَ وَ جَعَلْتَ لَهَا مَطَالِعَ وَ مَجَارِيَ وَ جَعَلْتَ لَهَا فَلَكَأَ وَ مَسَابِحَ وَ قَدَرْتَهَا فِي السَّمَاءِ مَنَازِلَ فَأَحْسَنْتَ تَقْدِيرَهَا وَ صَوَّرْتَهَا فَأَحْسَنْتَ تَصْوِيرَهَا وَ أَحْصَيْتَهَا بِأَسْمَائِكَ

إِحْصَاءَ وَ دَبَّرْتَهَا بِحِكْمَتِكَ تَدْبِيرًا وَ أَحْسَنْتَ تَدْبِيرَهَا وَ سَخَّرْتَهَا بِسُلْطَانِ اللَّيْلِ وَ سُلْطَانِ النَّهَارِ وَ السَّاعَاتِ وَ عَرَفْتَ بِهَا  
 عَدَدَ السِّنِينَ وَ الْحِسَابَ وَ جَعَلْتَ رُؤْيَهَا لِجَمِيعِ النَّاسِ مَرَأًى وَاحِدًا وَ أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِمَجْدِكَ الَّذِي كَلَّمْتَ بِهِ عَبْدَكَ وَ  
 رَسُولَكَ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْمُقَدَّسِينَ فَوْقَ إِحْسَاسِ الْكُرُوبِيِّينَ فَوْقَ عَمَائِمِ النُّورِ فَوْقَ تَابُوتِ الشَّهَادَةِ فِي  
 عَمُودِ النَّارِ وَ فِي طُورِ سَيْنَاءَ وَ فِي جَبَلِ حُورِيَّتِ فِي الْوَادِي الْمُقَدَّسِ - فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ... مِنْ  
 الشَّجَرَةِ وَ فِي أَرْضِ مِصْرَ يَتَسَعُ آيَاتِ بَيِّنَاتٍ وَ يَوْمَ فَرَّقْتَ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ وَ فِي الْمُنْبَجِسَاتِ الَّتِي صَنَعْتَ بِهَا الْعَجَائِبَ  
 فِي بَحْرِ سُوفٍ وَ عَقَدْتَ مَاءَ الْبَحْرِ فِي قَلْبِ الْعَمْرِ كَالْحِجَارَةِ وَ جَاوَزْتَ بَيْنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ وَ تَمَّتْ كَلِمَتُكَ الْحُسْنَى  
 عَلَيْهِمْ بِمَا صَبَرُوا وَ أَوْرَثْتَهُمْ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْتَ فِيهَا لِلْعَالَمِينَ وَ أَعْرَفْتَ فِرْعَوْنَ وَ جُنُودَهُ وَ مَرَآئِهِ فِي  
 الْيَمِّ وَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ الْأَعَزَّ الْأَجَلَّ الْأَكْرَمَ وَ بِمَجْدِكَ الَّذِي تَجَلَّيْتَ بِهِ لِمُوسَى كَلِيمِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي  
 طُورِ سَيْنَاءَ وَ لِإِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَلِيلِكَ مِنْ قَبْلُ فِي مَسْجِدِ الْخَيْفِ وَ لِإِسْحَاقَ صَفِيِّكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَيْتِ شَيْعٍ وَ  
 لِيَعْقُوبَ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَيْتِ إِيلٍ وَ أَوْفَيْتَ لِإِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِمِيثَاقِكَ وَ لِإِسْحَاقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِحُنْفِكَ وَ لِيَعْقُوبَ  
 عَلَيْهِ السَّلَامُ بِشَهَادَتِكَ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ بَوَعْدِكَ وَ لِلدَّاعِينَ بِأَسْمَائِكَ فَأَجَبْتَ وَ بِمَجْدِكَ الَّذِي ظَهَرَ لِمُوسَى بْنَ عِمْرَانَ عَلَيْهِ  
 السَّلَامُ عَلَى قُبَّةِ الرُّمَّانِ وَ بَأَيْدِكَ الَّذِي رَفَعْتَ عَلَى أَرْضِ مِصْرَ بِمَجْدِ الْعِزَّةِ وَ الْغَلْبَةِ بآيَاتٍ عَزِيزَةٍ وَ بِسُلْطَانِ الْقُوَّةِ وَ بَعِزَّةِ  
 الْقُدْرَةِ وَ بِشَانَ الْكَلِمَةِ التَّامَّةِ وَ بِكَلِمَاتِكَ الَّتِي تَفَضَّلْتَ بِهَا عَلَى أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ أَهْلِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ  
 بِرَحْمَتِكَ الَّتِي مَنَنْتَ بِهَا عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ وَ بِاسْتِطَاعَتِكَ الَّتِي أَقَمْتَ بِهَا عَلَى الْعَالَمِينَ وَ بِنُورِكَ الَّذِي قَدَّ خَرَّ مِنْ  
 فَرْعِهِ طُورُ سَيْنَاءَ وَ بَعِلْمِكَ وَ جَلَالِكَ وَ كِبَرِيَّاتِكَ وَ عِزَّتِكَ وَ جَبْرُوتِكَ الَّتِي لَمْ تَسْتَقِلْهَا الْأَرْضُ وَ انْخَفَضَتْ لَهَا  
 السَّمَاوَاتُ وَ انْزَجَرَ لَهَا الْعُمُقُ الْأَكْبَرُ وَ رَكَدَتْ لَهَا الْبِحَارُ وَ الْأَنْهَارُ وَ خَضَعَتْ لَهَا الْجِبَالُ وَ سَكَنْتَ لَهَا الْأَرْضُ بِمَنَآكِبِهَا وَ  
 اسْتَسَلَمَتْ لَهَا الْخَلَائِقُ كُلُّهَا وَ خَفَقَتْ لَهَا الرِّيَّاحُ فِي جَرَيَانِهَا وَ خَمَدَتْ لَهَا النَّيْرَانُ فِي أَوْطَانِهَا وَ بِسُلْطَانِكَ الَّذِي عَرَفْتَ  
 لَكَ بِهِ الْعَلْبَةَ ذَهَرَ الدُّهُورِ وَ حُمِدْتَ بِهِ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ وَ بِكَلِمَتِكَ كَلِمَةَ الصُّدُقِ الَّتِي سَبَقَتْ لِأَبِينَا آدَمَ وَ ذُرِّيَّتِهِ  
 بِالرَّحْمَةِ وَ أَسْأَلُكَ بِكَلِمَتِكَ الَّتِي غَلَبَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَ بُنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي تَجَلَّيْتَ بِهِ لِلْجَبَلِ فَجَعَلْتَهُ دَكًّا وَ خَرَّ مُوسَى  
 صَعِقًا وَ بِمَجْدِكَ الَّذِي ظَهَرَ عَلَى طُورِ سَيْنَاءَ فَكَلَّمْتَ بِهِ عَبْدَكَ وَ رَسُولَكَ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ وَ بَطَّلَعْتِكَ فِي سَاعِيرٍ وَ  
 ظُهُورِكَ فِي جَبَلِ فَارَانَ - بَرَبَوَاتِ الْمُقَدَّسِينَ وَ جُنُودِ الْمَلَائِكَةِ الصَّافِينَ وَ خُشُوعِ الْمَلَائِكَةِ الْمُسَبِّحِينَ وَ بَرَكَاتِكَ الَّتِي  
 بَارَكْتَ فِيهَا عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي أُمَّةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ بَارَكْتَ لِإِسْحَاقَ صَفِيِّكَ فِي أُمَّةِ  
 عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ بَارَكْتَ لِيَعْقُوبَ إِسْرَائِيلِكَ فِي أُمَّةِ مُوسَى عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَ بَارَكْتَ لِخَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ  
 عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِي عِتْرَتِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ أُمَّتِهِ اللَّهُمَّ وَ كَمَا غَنَيْنَا عَنْ ذَلِكَ وَ لَمْ نَشْهَدْهُ وَ آمَنَّا بِهِ وَ لَمْ نَرَهُ صِدْقًا وَ عَدْلًا أَنْ  
 تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُبَارِكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تَرْحَمَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَأَفْضَلِ مَا  
 صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرْحَمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ فَعَالٌ لِمَا تُرِيدُ وَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ  
 شَهِيدٌ ثُمَّ تَذَكَّرْ مَا تُرِيدُ ثُمَّ تَقُولُ اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الدُّعَاءِ وَ بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ الَّتِي لَا يَعْلَمُ تَفْسِيرَهَا وَ لَا يَعْلَمُ بَاطِنَهَا غَيْرُكَ  
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ لَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ وَ اغْفِرْ لِي مِنْ ذُنُوبِي مَا تَقَدَّمَ مِنْهَا وَ مَا

تَأَخَّرَ وَوَسَّعَ عَلَيَّ مِنْ حَلَالِ رِزْقِكَ وَكَفَّنِي مَوْتَهُ إِنْسَانٍ سَوْءٍ وَجَارٍ سَوْءٍ وَقَرِينٍ سَوْءٍ وَسُلْطَانَ سَوْءٍ إِنَّكَ عَلَيَّ مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ وَبِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

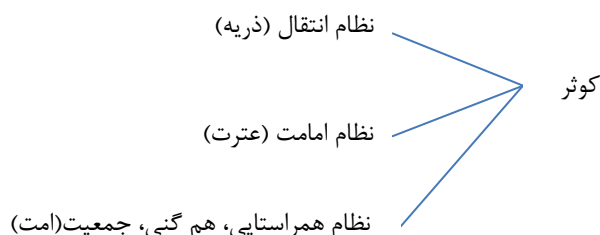
دعای سمات فرازی مهم و مرتبط با بحث ما دارد که بصورت تلگرافی بیان می‌شود. دعای سمات، سوال از اسم اعظم خداست. اسمائی از خداوند را بیان می‌کند که گره‌ها را فتح می‌کنند. کار سخت را راحت می‌کند. دعای سمات معرفی اسما خدا است و کاربرد اسما یعنی هر اتفاقی که در عالم می‌افتد بواسطه‌ی اسما است. بعد از معرفی اسماء خدا، کرامت خدا به انبیا را می‌گوید. تکلم خدا با حضرت موسی(ع)، حضرت ابراهیم(ع)، اسحق(ع) و یعقوب(ع)، تا پیامبر اکرم(ص). انبیا میقات و معجزات فراوان داشتند. واسطه‌هایی که بهانه‌ی تجلی اسماء خدا هستند. ما از فرازها عبور می‌کنیم تا به برکت برسیم. برکت و کوثر هر دو خیر کثیر هستند. نزدیکترین کلمه به کوثر، برکت است.

بَارَكْتَ لِحَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي عِثْرَتِهِ وَدُرِّيَّتِهِ وَأُمَّتِهِ. این فراز، عترت و ذریه و امت را مطرح می‌کند. این سه مورد، مولفه‌های کوثر هستند. گویا پیکر واحدی که در کوثر باید دنبال کنیم به عترت، ذریه و امت بر می‌گردد.

عترت به ائمه معصومین و قمرینی‌هاشم و حضرت زینب(تالی تلو معصوم) بر می‌گردد.

ذریه هم کسانی هستند که پیشان با ائمه فاصله افتاده و در زمان ائمه نبودند.

امت هم یکپارچگی سبک زندگی را نشان می‌دهد که در هر زمانی که باشند با سبک زندگی ائمه زندگی می‌کنند. چیزی که ما را با پیامبر مرتبط می‌کند عمدتاً بحث امت است. پس وقتی می‌خوانیم انا اعطيناك الكوثر باید در نظر داشته باشیم که خدا عترت، ذریه و امت را به پیامبر عطا کرد. ان شائك هو الاثر یعنی انسان باید جزء عترت، ذریه یا امت پیامبر باشد در غیر این صورت اثر است. عترت بحث امامت است.



اتصال امت بواسطه رسول خداست. که با این اتصال به خدا وصل شده و فاصله شان با خود خدا کم می شود. پس مفهوم کوثر به برکت، باقیات الصالحات و امامت نزدیک شد. امت بستری برای بقاء صالحات است. هرچه که وصل به خدا شود زیاد است چون به بی نهایت وصل شده است. قدر تنها با الله معنی پیدا می کند. چیزی که به الله وصل نیست، محکوم به هلاکت است. هرچه به خدا وصل باشد جاری است. فرعون با همه ی قدرتش محکوم به فناست.

مسائل و شبهاتی که امروزه برای ولایت فقیه مطرح است، در زمان ائمه برای مسئله امامت بوده است. و دلائلی می آوردند از جمله این که خلافت براساس خرد جمعی بوده است و دموکراسی ایجاب کرده است که مسئله خلافت پیش آید و این که خرد جمعی بهتر از تصمیم یک نفر است و این مانع از مشکلات می شود. حضرت رضا(ع) در روایت زیر به این شبهات پاسخ می دهند. ما در لسان اهل بیت(ع) دقت نکرده ایم. این روایت در کافی، تحف العقول و عیون اخبارالرضا هست.

أَبُو مُحَمَّدٍ الْقَاسِمُ بْنُ الْعَلَاءِ رَحِمَهُ اللَّهُ رَفَعَهُ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:

كُنَّا مَعَ الرَّضَاعِ بَمَرْوٍ فَاجْتَمَعْنَا فِي الْجَامِعِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فِي بَدْءِ مَقْدَمِنَا فَأَذَارُوا أَمْرَ الْإِمَامَةِ وَذَكَرُوا كَثْرَةَ اخْتِلَافِ النَّاسِ فِيهَا فَلَخَلْتُ عَلَى سَيْدِي عَ فَأَعْلَمْتُهُ حَوْضَ النَّاسِ فِيهِ فَتَبَسَّمَ عَ ثُمَّ قَالَ يَا عَبْدَ الْعَزِيزِ جَهْلَ الْقَوْمِ وَخُدِغُوا عَنْ آرَائِهِمْ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَقْبِضْ نَبِيَّهُ صَ حَتَّى أَكْمَلَ لَهُ الدِّينَ وَ أَنْزَلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنَ فِيهِ تَبْيَانٌ كُلُّ شَيْءٍ بَيْنَ فِيهِ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ وَالْحُدُودِ وَالْأَحْكَامِ وَ جَمِيعَ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ النَّاسُ

( می فرمایند که قرآن تبیان کل شیء است و هر آنچه که نیاز انسان است را مطرح کرده است )

كَمَلًا فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ - مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ وَ أَنْزَلَ فِي حَجَّةِ الْوَدَاعِ وَ هِيَ آخِرُ عُمرِهِ صَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا وَ أَمْرَ الْإِمَامَةِ مِنْ تَمَامِ الدِّينِ وَ لَمْ يَمْضِ صَ حَتَّى بَيَّنَّ لِأُمَّتِهِ مَعَالِمَ دِينِهِمْ وَ أَوْضَحَ لَهُمْ سَبِيلَهُمْ وَ تَرَكَهُمْ عَلَى فَصْدِ سَبِيلِ الْحَقِّ وَ أَقَامَ لَهُمْ عَلِيًّا عَ عَلِمًا وَ إِمَامًا وَ مَا تَرَكَ لَهُمْ شَيْئًا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْأُمَّةُ إِلَّا بَيْنَهُ فَمَنْ زَعَمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يُكْمِلْ دِينَهُ فَقَدْ رَدَّ كِتَابَ اللَّهِ وَ مَنْ رَدَّ كِتَابَ اللَّهِ كَافِرٌ

( این جا امام رضا برای مسئله امامت به قرآن استناد می کند و می فرماید که اگر کسی فکر کند که قرآن چیزی را فروگذار کرده است، کافر است. از بعضی می پرسیم چرا قرآن نمی خوانی؟ می گویند قرآن متشابه است. خیلی از ماها نگاه ما به قرآن همین طور است.)

فَهُوَ بِهِ هَلْ يَعْرِفُونَ قَدْرَ الْإِمَامَةِ وَمَحَلَّهَا مِنَ الْأُمَّةِ فَيَجُوزَ فِيهَا اخْتِيَارُهُمْ إِنَّ الْإِمَامَةَ أَجَلٌ قَدْرًا وَاعْظَمُ شَأْنًا وَاعْلَى مَكَانًا وَ  
 أَمْنَعُ جَانِبًا وَأَبْعَدُ عَوْرًا مِنْ أَنْ يَبْلُغَهَا النَّاسُ بِعُقُولِهِمْ أَوْ يَنَالُوهَا بِأَرْوَاحِهِمْ أَوْ يُقِيمُوا إِمَامًا بِاخْتِيَارِهِمْ إِنَّ الْإِمَامَةَ خَصَّ اللَّهُ عَزَّ  
 وَجَلَّ بِهَا إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلَ عَ بَعْدَ النَّبُوَّةِ وَالْخَلَّةِ مَرْتَبَةً نَالَتْهُ

(مرتبه‌ی امامت که حضرت ابراهیم(ع) به این درجه رسید، بعد از مقام نبوت و خلت است و این نشان عظمت این مقام است. این جا امامت مهم می‌شود. قدر امامت و اهمیت آن در امت را مطرح می‌کنند. امت و امامت عدل همند که به واسطه‌ی هم فهمیده می‌شوند. امت، جریانی است که در آن سبک زندگی هست. ما بوسیله امام به امت وصل می‌شویم. یعنی مفهوم کوثر بدون عترت، ذریه، امت قابل فهم نیست. در این جا مبدأ خیر، امام است. قیاس با ذریه اتفاق می‌افتد و فاصله، امت است. یک سری آیه در این روایت استفاده شده است که مهم است، ما باید آن‌ها را بخوانیم و روش استدلال امام را با آیات یاد بگیریم. نوعا فکر می‌کنیم در روایات قیاس و منطق وجود ندارد. ولی وقتی روایات را می‌خوانیم می‌بینیم امام استدلال کرده‌اند.)

وَ فَضِيلَةٌ شَرَفَتْ بِهَا وَ أَشَادَ بِهَا ذِكْرَهُ فَقَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَقَالَ الْخَلِيلُ ع سُرُورًا بِهَا - وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ فَأَبْطَلْتُ هَذِهِ الْآيَةَ إِمَامَةً كُلِّ ظَالِمٍ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ صَارَتْ فِي الصَّفْوَةِ ثُمَّ أَكْرَمَهُ اللَّهُ تَعَالَى بِأَنْ جَعَلَهَا فِي ذُرِّيَّتِهِ أَهْلَ الصَّفْوَةِ وَ الطَّهَارَةِ فَقَالَ وَ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ نَافِلَةً وَ كَلَّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ. وَ جَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَ أَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَ إِقَامَ الصَّلَاةِ وَ إِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَ كَانُوا لَنَا عَابِدِينَ فَلَمْ تَزَلْ فِي ذُرِّيَّتِهِ يَرِثُهَا بَعْضٌ عَنْ بَعْضٍ قَرْنًا فَقَرْنَا

(جریان را نشان می‌دهد که قرن به قرن ادامه پیدا کرده است. شیوه‌ی چینش آیات در تدبر موضوعی بسیار مهم است. اصل این بود که آدم‌های خوب بعد پیامبر(ص) محزون شدند و منزوی و آدم‌های بد پررو شدند و از این انزوا استفاده کردند. یک افسردگی فراگیر و یک پررویی فراگیر بوجود آمده بود. بیت الاحزانی که به حضرت زهرا(س) نسبت داده‌اند انحراف است. بیت الاحزان نبوده بلکه تقویت نیرو بوده است. این تفکر که بعد از پیامبر(ص) باید برویم بمیریم، انحراف است. مگر می‌شود که یک خانم افسرده‌ی دق کرده، خطبه فدکیه بخواند. خطبه‌ای که مثلش را در عالم هیچ مردی بیان نکرده است. حکومت را دنیایی جلوه دادند و گفتند آدم خوب نباید دنبال دنیا برود. و این را به امام حسین(ع) نسبت دادند و گفتند او دنبال دنیا بود. این طور وارد شدن به مسائل حکومتی را آلوده شدن به دنیا جلوه دادند. اینکه اگر کسی دین دار و عالم است نباید به مجلس و دولت و حکومت و مجلس خبرگان وارد شود، یک انحراف است که باعث شد حاکمیت بدست نااهل بیفتد. خبر واحد حجت نیست



و این روایت که حضرت زهرا(س) با شنیدن این سخن از پیامبر(ص) که تو اولین کسی هستی که به من می پیوندی و حضرت زهرا(س) لبخند زدند، همین یک خبر واحد است که این طور فراگیر شده و حجیت ندارد. اگر این طور پررنگ شده است بی دلیل نیست. با این مقدمات، شخصیت مبارز حضرت زهرا(س) را تبدیل به یک شخصیت محزون و منفعل کرده اند. شخصیت حقیقی حضرت برای زن مسلمان جلوه نکرد. اولین ظلمی که شد به شیعه نگاهشان به حضرت زهرا(س) بود. وقتی زن امام نداشته باشد، مجبور است هویت خود را فراموش کند. احیای حضرت زهرا(س)، احیای زن در جامعه است. خاموش کردن نور ایشان در جامعه، خاموش کردن زن در جامعه مسلمان است. و این را خوب فهمیدند. قبل از ترور امیرالمومنین(ع) حضرت زهرا(س) ترور شدند. شیعیان امروز حضرت زهرا(س) را با معلم بودن، شرکت در جهاد و خطبه‌ی فدکیه، نمی‌شناسند. نمیدانند که ایشان مشاور پدر بودند. چرا از بین این همه ویژگی‌های حضرت زهرا(س) فقط به یک خبر واحد بسنده کرده ایم؟

حَتَّىٰ وَرَثَتَهَا اللَّهُ تَعَالَى النَّبِيِّ ص فَقَالَ جَلَّ وَ تَعَالَى - إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لِلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَ هَذَا النَّبِيُّ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ اللَّهُ وَ لِيُ الْمُؤْمِنِينَ فَكَانَتْ لَهُ خَاصَّةٌ فَقَلَّدَهَا ص عَلِيًّا ع بِأَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى عَلَى رَسْمِ مَا فَرَضَ اللَّهُ فَصَارَتْ فِي ذُرِّيَّتِهِ الْأَصْفِيَاءِ الَّذِينَ آتَاهُمُ اللَّهُ الْعِلْمَ وَ الْإِيمَانَ بِقَوْلِهِ تَعَالَى - وَقَالَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْعِلْمَ وَ الْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْبَعْثِ فَهِيَ فِي وَ لِدِ عَلِيٍّ ع خَاصَّةٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِذْ لَا نَبِيَّ بَعْدَ مُحَمَّدٍ ص فَمِنْ أَيْنَ يَخْتَارُ هَؤُلَاءِ الْجُهَالُ إِنَّ الْإِمَامَةَ هِيَ مَنْزِلَةُ الْأَنْبِيَاءِ وَ إِرْثُ الْأَوْصِيَاءِ إِنَّ الْإِمَامَةَ خِلَافَةُ اللَّهِ وَ خِلَافَةُ الرَّسُولِ ص وَ مَقَامُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع وَ مِيرَاثُ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ ع

(امام رضا(ع) در ادامه روایت نوع تفکر فاطمی به مسئله امامت را بیان می کنند)

إِنَّ الْإِمَامَةَ زِمَامُ الدِّينِ وَ نِظَامُ الْمُسْلِمِينَ وَ صَلَاحُ الدُّنْيَا وَ عِزُّ الْمُؤْمِنِينَ إِنَّ الْإِمَامَةَ أَسُّ الْإِسْلَامِ النَّامِي (بالنده) وَ فَرَعُهُ السَّامِي بِالْإِمَامِ تَمَامُ الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الصِّيَامِ وَ الْحَجِّ وَ الْجِهَادِ وَ تَوْفِيرُ الْفَيْءِ وَ الصَّدَقَاتِ وَ إِمْنَاءُ الْحُدُودِ (جاری شدن حدود) وَ الْأَحْكَامِ وَ مَنَعُ التُّغُورِ وَ الْأَطْرَافِ الْإِمَامُ يُجِلُّ حَلَالَ اللَّهِ وَ يُحَرِّمُ حَرَامَ اللَّهِ وَ يُقِيمُ حُدُودَ اللَّهِ وَ يَذُبُّ عَنِ دِينِ اللَّهِ وَ يَدْعُو إِلَى سَبِيلِ رَبِّهِ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ الْحُجَّةِ الْبَالِغَةِ الْإِمَامُ كَالشَّمْسِ الطَّالِعَةِ الْمُجَلَّلَةِ بِنُورِهَا لِلْعَالَمِ وَ هِيَ فِي الْأُفُقِ بَحِيثٌ لَا تَنَالُهَا الْأَيْدِي وَ الْأَبْصَارُ الْإِمَامُ الْبَدْرُ الْمُنِيرُ وَ السَّرَاجُ الزَّاهِرُ وَ النُّورُ السَّاطِعُ وَ النُّجْمُ الْهَادِي فِي غِيَابِ الدُّجَى وَ أَجْوَازِ الْبُلْدَانِ وَ الْقِفَارِ وَ لَجَجِ الْبِحَارِ الْإِمَامُ الْمَاءُ الْعَذْبُ عَلَى الظَّمِّ وَ الدَّالُّ عَلَى الْهُدَى وَ الْمُنْجِي مِنَ الرَّدَى الْإِمَامُ النَّارُ عَلَى الْإِنْفَاعِ الْحَارُّ (آتش سرکش) لِمَنْ اصْطَلَى بِهِ وَ الدَّلِيلُ فِي الْمَهَالِكِ مَنْ فَارَقَهُ فَهَالِكٌ الْإِمَامُ السَّحَابُ الْمَاطِرُ (باران زا) وَ الْغَيْثُ الْهَاطِلُ (باران نجات بخش) وَ الشَّمْسُ الْمُضِيئَةُ وَ السَّمَاءُ الظَّلِيلَةُ وَ الْأَرْضُ الْبَسِيطَةُ وَ

الْعَيْنُ الْغَزِيرَةُ (چشم مهربان) وَالْعَدِيرُ (برکه) وَالرَّوْضَةُ (باغ) الْإِمَامُ الْأَيْسَرُ الرَّفِيقُ وَالْوَالِدُ الشَّقِيقُ وَالْأَخُ الشَّقِيقُ وَالْأُمُّ  
 الْبِرَّةُ بِالْوَالِدِ الصَّغِيرِ وَمَنْزَعُ الْعِبَادِ فِي الدَّاهِيَةِ النَّادِ الْإِمَامُ أَمِينُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَحُجَّتُهُ عَلَى عِبَادِهِ وَخَلِيفَتُهُ فِي بِلَادِهِ وَ  
 الدَّاعِي إِلَى اللَّهِ وَالذَّابُّ عَنْ حُرْمِ اللَّهِ الْإِمَامُ الْمُطَهَّرُ مِنَ الذُّنُوبِ وَالْمُبْرَأُ عَنِ الْعُيُوبِ الْمَخْصُوصُ بِالْعِلْمِ الْمَوْسُومُ  
 بِالْحِلْمِ نِظَامُ الدِّينِ وَعِزُّ الْمُسْلِمِينَ وَغَيْظُ الْمُنَافِقِينَ وَبَوَارُ الْكَافِرِينَ - الْإِمَامُ وَاحِدٌ ذَهْرُهُ لَا يُدَانِيهِ أَحَدٌ وَلَا يُعَادِلُهُ عَالِمٌ وَ  
 لَا يُوجَدُ مِنْهُ بَدَلٌ وَلَا لَهُ مِثْلٌ وَلَا نَظِيرٌ مَخْصُوصٌ بِالْفَضْلِ كُلُّهُ مِنْ غَيْرِ طَلَبٍ مِنْهُ لَهُ وَ لَا اكْتِسَابٍ بَلِ اخْتِصَاصٌ مِنْ  
 الْمُفْضَلِ الْوَهَّابِ (وهاب نزدیكترین اسم خدا به كوثر است. عطا و بخشش دارد.) فَمَنْ ذَا الَّذِي يَبْلُغُ مَعْرِفَةَ الْإِمَامِ أَوْ  
 يُمَكِّنُهُ اخْتِيَارُهُ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ ضَلَّتِ الْعُقُولُ وَ تَاهَتْ الْحُلُومُ وَ حَارَتْ الْأَلْبَابُ وَ خَسَّتِ الْعُيُونُ وَ تَصَاغَرَتِ الْعُظْمَاءُ وَ  
 تَحَيَّرَتِ الْحُكَمَاءُ وَ تَقَاصَرَتِ الْحُلَمَاءُ وَ حَصِرَتِ الْخُطَبَاءُ وَ جَهَلَتِ الْأَلْبَاءُ وَ كَلَّتِ الشُّعْرَاءُ وَ عَجَزَتِ الْأُدْبَاءُ وَ عَيَّتِ  
 الْبُلْغَاءُ عَنْ وَصْفِ شَأْنٍ مِنْ شَأْنِهِ أَوْ فَضِيلَةٍ مِنْ فَضَائِلِهِ وَ أَفْرَتِ بِالْعَجْزِ وَ التَّقْصِيرِ وَ كَيْفَ يُوصَفُ بِكُلِّهِ أَوْ يُنْعَتُ بِكُنْهِهِ أَوْ  
 يُفْهَمُ شَيْءٌ مِنْ أَمْرِهِ أَوْ يُوجَدُ مَنْ يَقُومُ مَقَامَهُ وَ يُغْنِي عَنْهُ لَا كَيْفَ وَ أَنَّى وَ هُوَ بِحَيْثُ النِّجْمِ مِنْ يَدِ الْمُتَنَاوِلِينَ وَ وَصَفِ  
 الْوَاصِفِينَ فَأَيْنَ الْإِخْتِيَارُ مِنْ هَذَا وَ أَيْنَ الْعُقُولُ عَنْ هَذَا وَ أَيْنَ يُوجَدُ مِثْلُ هَذَا أ تَظُنُّونَ أَنَّ ذَلِكَ يُوجَدُ فِي غَيْرِ آلِ  
 الرَّسُولِ مُحَمَّدٍ ص كَذَّبْتَهُمْ (كسی در مورد غیر رسول و آلش چنین چیزی بگوید دروغ گفته) وَاللَّهِ أَنْفُسُهُمْ وَ مَنَّتَهُمْ  
 الْأَبَاطِيلَ فَارْتَقُوا مَرْتَقَى صَعْبًا دَخَصًا تَزَلُّ عَنْهُ إِلَى الْحَضِيضِ أَقْدَامُهُمْ رَامُوا إِقَامَةَ الْإِمَامِ بِعُقُولٍ حَائِرَةٍ بَائِرَةٍ نَاقِصَةٍ وَ آرَاءِ  
 مُضِلَّةٍ فَلَمْ يَزِدُوا مِنْهُ إِلَّا بُعْدًا فَاتْلَهُمُ اللَّهُ أَنِّي يُؤْفَكُونَ \* وَ لَقَدْ رَامُوا صَعْبًا وَ قَالُوا إِنْكَارًا وَ ضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا وَ وَقَعُوا فِي  
 الْحَيْرَةِ إِذْ تَرَكُوا الْإِمَامَ عَنْ بَصِيرَةٍ وَ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَ كَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ رَغَبُوا عَنِ اخْتِيَارِ  
 اللَّهِ وَ اخْتِيَارِ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ أَهْلِ بَيْتِهِ إِلَى اخْتِيَارِهِمْ وَ الْقُرْآنُ يُنَادِيهِمْ - وَ رَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَ يَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمْ  
 الْخَيْرَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ وَ قَالَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَ لَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ  
 يَكُونَ لَهُمُ الْخَيْرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ إِلَّا يَهُ

در روایات یک قسمت استدلال و یک قسمت خطابه است. قسمت معرفی امام خطابه است. امامت را طوری معرفی  
 کرده‌اند که در قلب قابل شناخت باشد نه در بیرون. حتی مردم نمی‌توانسته‌اند که امام رضا(ع) را ببینند. ولی  
 می‌توانستند بشناسند. تا کسی جزء امت نشود نمی‌تواند امام را بشناسد. باید برای رسیدن به امام زمان(عج) دنبال  
 تحقق امت امام بود. وقتی امت محقق شد، امامش می‌رسد. الان خلأ امام را کسی می‌فهمد که دنبال علم بدون ضرر  
 باشد. کسی که امام بخواهد هرگز ماشینی تولید نمی‌کند که آلودگی ایجاد کند. ما دنبال خواسته‌هایمان هستیم به هر

قیمتی. پس امام‌مان هم هر کسی است که ما را به طلب‌هایمان برساند. اگر دنبال طب بدون ضرر باشی، خدا راهی برای رسیدن قرار می‌دهد. هر امتی امام مخصوص خود را دارد.

خلایق هر چه لایق. طبع ما امام معصوم (ع) نمی‌خواهد. چون به تفصیل که نگاه کنیم می‌بینیم چیزی نمی‌خواهیم که امام می‌خواهد. پس امام نمی‌خواهیم. ظهر الفساد فی البر و البحر. علت عدم انتخاب امام در این روایت جهل و خدعه است. کوثر که عترت و ذریه است بوسیله امت شناخته می‌شود. انسان باید ارتباطش را با امام تفصیلاً تصحیح کند. برای این که به تفصیل به امام نزدیک شویم باید روایات را بخوانیم. نهج البلاغه بخوانیم. چیزی که به نان شب برای یک طالب امام واجب است، خواندن حداقل یک دور اصول کافی است.

برای این که کوثر را در قرآن بررسی کنیم دو راه وجود دارد:

راه اول. یکی این که از مسیر ان شائک هو الابر برویم. هر جایی که هلاکت بود، ابر محقق می‌شود. اوایل سوره اعراف در این مورد است. "کم من قریه اهلکناها" و چنین تعبیراتی را دنبال کنیم. دلیل عدم هلاکت، ذکر است.

کِتَابٌ أَنْزَلَ إِلَيْكَ فَلَا يَكُنْ فِي صَدْرِكَ حَرَجٌ مِّنْهُ لَتُنذِرَ بِهِ وَذِكْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ (۲)

اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ (۳)

وَكَم مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا فَجَاءَهَا بَأْسُنَا بَيَاتًا أَوْ هُمْ قَائِلُونَ (۴)

این آیات صریحاً بیان می‌کند که راه عدم هلاکت و ابر نشدن، تبعیت از قرآن (ما انزل الیک) است.

ابر هلاکت نسبت به کمال است. یک نخبه را فرض کنید که از کشور رفته و توانایی‌اش را در اختیار دشمن می‌گذارد. این هلاکت در نسبت با غایت است. ابر نمی‌خواهد بگوید که در اجزا ناقص است یا نیست، می‌خواهد بگوید که به غایت نمی‌رسد. قد خاب من دساها. خیب: کسی که انتظار داشت به نتیجه برسد و نمی‌رسد. عامله ناصبه یعنی همه کار کرده و دست و پا زده و به نتیجه نمی‌رسد. ابر دچار خیب و عامله ناصبه شده است.

کوثر: زیاد متصل به حق، این اتصال در سوره اعراف با ذکر اتفاق می‌افتد. هر سوره‌ای به گونه‌ای سوره کوثر را می‌خواند. هر سوره وجه هلاکت و دلیل هلاکت گفته و وجه اتصال و دلیل اتصال را گفته است.

در سوره قمر عامل اتصال را خود قرآن گفته است. بالاترین مفهومی که در قرآن آمده ذکر است و بالاترین ذکر نماز است. اگر همه‌ی قرآن را بخوانیم تازه سوره کوثر را می‌فهمیم که صلّ چقدر در اتصال به کوثر اهمیت دارد.

راه دوم. جاهایی که قرآن در مورد نسل سخن گفته، کلا شاید ۱۰ بسته آیه است، ولی مطالب شگفت‌انگیزی دارد. قوم لوط(ع) بسیار کمک می‌کند. من فقط یکی از نتایج را می‌گویم. هر کسی در نظام برنامه‌ریزی و مدیریت به عملی، فکری، باوری اقدام کند که ذریه سازی مومنین را دچار اختلال کند، هم ردیف قوم لوط(ع) و در جنب آن‌هاست، اگرچه به آن عمل کثیف مبادرت نداشته باشد. این حرف سنگینی است. اساساً قوم لوط(ع) در قرآن مثل کسانی هستند که در حوزه جمعیت مومنین اختلال ایجاد می‌کنند. آدم باید بترسد ازدواج را سخت بکند. بعضی گناهان در صدر جدول است. جامعه‌ی ما شبیه جامعه‌ای شده که رشید ندارد که مقابله‌ی با این موضوع بکند.

برای جلسه بعد دعایی در کتاب مهج الدعوات انتخاب شده که مهم‌ترین موضوعی که در این دعا وجود دارد بحث اتصال است. این دعا مفاهیم کوثری زیادی دارد اگر چه که نامی از کوثر در آن نیست، یکی از زیباترین دعاهاست که به پیامبر توصیه شده به کسی این دعا را یاد نده مگر به خوبان امت. (مهج الدعوات صفحه‌ی ۸۴)

بسم الله الرحمن الرحيم

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا ذُكِرَتْ بِهِ تَزَعَزَعَتْ مِنْهُ السَّمَاوَاتُ وَانْشَقَّتْ مِنْهُ الْأَرْضُونَ وَتَقَطَّعَتْ مِنْهُ السَّحَابُ وَ تَصَدَّعَتْ مِنْهُ الْجِبَالُ وَ جَرَتْ مِنْهُ الرِّيَّاحُ وَ انْتَقَصَتْ مِنْهُ الْبِحَارُ وَ اضْطَرَبَتْ مِنْهُ الْأَمْوَاجُ وَ غَارَتْ مِنْهُ النَّفُوسُ وَ وَجِلَتْ مِنْهُ الْقُلُوبُ وَ زَلَّتْ مِنْهُ الْأَقْدَامُ وَ صَمَّتْ مِنْهُ الْأَذَانُ وَ شَخَّصَتْ مِنْهُ الْأَبْصَارُ وَ خَشَعَتْ مِنْهُ الْأَصْوَاتُ وَ خَضَعَتْ لَهُ الرَّقَابُ وَ قَامَتْ لَهُ الْأَرْوَاحُ وَ سَجَدَتْ لَهُ الْمَلَائِكَةُ وَ سَجَّتْ لَهُ وَ ارْتَعَدَتْ لَهُ الْفَرَائِصُ وَ اهْتَرَّتْ لَهُ الْعُرُشُ وَ دَانَتْ لَهُ الْخَلَائِقُ وَ بِالْإِسْمِ الَّذِي وَضِعَ عَلَى الْجَنَّةِ فَأُزْلِفَتْ وَ عَلَى الْجَحِيمِ فَسُعِّرَتْ وَ عَلَى النَّارِ فَتَوَقَّدَتْ وَ عَلَى السَّمَاءِ فَاسْتَقَلَّتْ وَ قَامَتْ بِهَا عَمَدٌ وَ لَا سَنَدٌ وَ عَلَى النُّجُومِ فَتَزَيَّنَتْ وَ عَلَى الشَّمْسِ فَاشْرَقَتْ وَ عَلَى الْقَمَرِ فَأَنَارَ وَ أَضَاءَ وَ عَلَى الْأَرْضِ فَاسْتَقَرَّتْ وَ عَلَى الْجِبَالِ فَأَرَسَتْ وَ عَلَى الرِّيَّاحِ فَذَرَّتْ وَ عَلَى السَّحَابِ فَأَمْطَرَتْ وَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَسَبَّحَتْ وَ عَلَى الْإِنْسِ وَ الْجِنِّ فَأَجَابَتْ وَ عَلَى الطَّيْرِ وَ النَّمْلِ فَتَكَلَّمَتْ وَ عَلَى اللَّيْلِ فَأَظْلَمَ وَ عَلَى النَّهَارِ فَاسْتَنَارَ وَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ فَسَبَّحَ وَ بِالْإِسْمِ الَّذِي اسْتَقَرَّتْ بِهِ الْأَرْضُونَ عَلَى قَرَارِهَا وَ الْجِبَالُ عَلَى أَمَاكِنِهَا وَ الْبِحَارُ عَلَى حُدُودِهَا وَ الْأَشْجَارُ عَلَى عُرُوقِهَا وَ النُّجُومُ عَلَى مَجَارِئِهَا وَ السَّمَاوَاتُ عَلَى بِنَائِهَا وَ حَمَلَتْ الْمَلَائِكَةُ عَرْشَ الرَّحْمَنِ بِقُدْرَةِ رَبِّهَا وَ بِالْإِسْمِ الْقَدُوسِ الْقَدِيمِ الْمُتَقَدِّمِ الْمُخْتَارِ الْجَبَّارِ الْمُتَكَبِّرِ الْكَبِيرِ الْمُتَعَطِّمِ الْعَزِيزِ الْمُهَيِّمِ الْمَلِكِ الْمُقْتَدِرِ الْقَدِيرِ الْقَادِرِ الْحَمِيدِ الْمَجِيدِ الصَّمَدِ الْمُتَوَحِّدِ الْمُتَفَرِّدِ الْكَبِيرِ

الْمُتَعَطِّمِ الْمُتَعَالِ وَبِالْأَسْمِ الْمَخْزُونِ الْمَكْنُونِ فِي عِلْمِهِ الْمُحِيطِ بِعَرْشِهِ الطَّاهِرِ الْمُطَهَّرِ الْمُبَارَكِ الْقُدُّوسِ السَّلَامِ الْمُؤْمِنِ  
 الْمُهَيِّمِ الْعَزِيزِ الْجَبَّارِ الْمُتَكَبِّرِ الْخَالِقِ الْبَارِي الْمُصَوِّرِ الْأَوَّلِ الْآخِرِ الطَّاهِرِ الْبَاطِنِ الْكَائِنِ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَ الْمَكُونِ لِكُلِّ  
 شَيْءٍ وَ الْكَائِنِ بَعْدَ فَنَاءِ كُلِّ شَيْءٍ لَمْ يَزَلْ وَ لَا يَزَالُ وَ لَا يَفْتَى وَ لَا يَتَغَيَّرُ نُورٌ فِي نُورٍ وَ نُورٌ عَلَى نُورٍ وَ نُورٌ فَوْقَ كُلِّ نُورٍ وَ  
 نُورٌ يُضِيءُ بِهِ كُلُّ نُورٍ وَ بِالْأَسْمِ الَّذِي سَمِيَ بِهِ نَفْسُهُ وَ اسْتَوَى بِهِ عَلَى الْعَرْشِ فَاسْتَقَرَّ بِهِ عَلَى كُرْسِيِّهِ وَ خَلَقَ بِهِ مَلَائِكَتَهُ وَ  
 سَمَاوَاتِهِ وَ أَرْضَهُ وَ جَنَّتَهُ وَ نَارَهُ وَ ابْتَدَعَ بِهِ خَلْقَهُ وَاحِدًا وَاحِدًا فَردًا صَمَدًا كَبِيرًا مُتَكَبِّرًا عَظِيمًا مُتَعَطِّمًا عَزِيزًا مَلِيكًا مُقْتَدِرًا  
 قُدُّوسًا مُتَقَدِّسًا - لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ وَ بِالْأَسْمِ الَّذِي لَمْ يَكْتُبْهُ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ صَدَقَ الصَّادِقُونَ وَ  
 كَذَبَ الْكَاذِبُونَ وَ بِالْأَسْمِ الَّذِي هُوَ مَكْتُوبٌ فِي رَاحَةِ مَلِكِ الْمَوْتِ الَّذِي إِذَا نَظَرَتْ إِلَيْهِ الْأَرْوَاحُ تَطَايَرَتْ وَ بِالْأَسْمِ  
 الَّذِي هُوَ مَكْتُوبٌ عَلَى سُرَادِقِ عَرْشِهِ مِنْ نُورٍ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ بِالْأَسْمِ الْمَكْتُوبِ فِي سُرَادِقِ الْمَجْدِ وَ  
 بِالْأَسْمِ الْمَكْتُوبِ فِي سُرَادِقِ الْبَهَاءِ وَ بِالْأَسْمِ الْمَكْتُوبِ فِي سُرَادِقِ الْعُظْمَةِ وَ بِالْأَسْمِ الْمَكْتُوبِ فِي سُرَادِقِ الْجَلَالِ وَ  
 بِالْأَسْمِ الْمَكْتُوبِ فِي سُرَادِقِ الْعِزِّ وَ بِالْأَسْمِ الْمَكْتُوبِ فِي سُرَادِقِ الْجَمَالِ الْخَالِقِ الْبَاعِثِ النَّصِيرِ رَبِّ الْمَلَائِكَةِ السَّمَائِيَّةِ وَ  
 رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَ بِالْأَسْمِ الْأَكْبَرِ الْأَكْبَرِ وَ بِالْأَسْمِ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْمُحِيطِ بِمَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ بِالْأَسْمِ  
 الَّذِي أَشْرَقَتْ بِهِ الشَّمْسُ وَ أَضَاءَ بِهِ الْقَمَرُ وَ سُجِّرَتْ بِهِ الْبِحَارُ وَ نُصِبَتْ بِهِ الْجِبَالُ وَ بِالْأَسْمِ الَّذِي قَامَ بِهِ الْعَرْشُ وَ  
 الْكُرْسِيُّ وَ بِالْأَسْمَاءِ الْمُقَدَّسَاتِ الْمَخْزُونَاتِ الْمَكْنُونَاتِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَهُ وَ بِالْأَسْمِ الَّذِي كُتِبَ عَلَى وَرَقِ الزَّيْتُونِ  
 فَأَلْفَقِي بِهِ فِي النَّارِ فَلَمْ يَحْتَرِقْ وَ بِالْأَسْمِ الَّذِي مَشَى بِهِ الْخَضِيرُ عَلَى الْمَاءِ فَلَمْ يَبْتَلْ قَدَمَاهُ وَ بِالْأَسْمِ الَّذِي تَفْتَحُ بِهِ أَبْوَابُ  
 السَّمَاءِ وَ بِهِ يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ وَ بِالْأَسْمِ الَّذِي ضَرَبَ بِهِ مُوسَى بِعَصَاهُ الْبَحْرَ فَانْفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطُّودِ الْعَظِيمِ وَ  
 بِالْأَسْمِ الَّذِي كَانَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يُحْيِي بِهِ الْمَوْتَى وَ يُبْرِئُ بِهِ الْأَكْمَةَ وَ الْأَبْرَصَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ بِالْأَسْمَاءِ الَّتِي يَدْعُو بِهَا  
 جِبْرَائِيلُ وَ إِسْرَافِيلُ وَ مِيكَائِيلُ وَ عِزْرَائِيلُ وَ حَمَلَةُ الْعَرْشِ وَ الْكُرُوبِيُّونَ وَ مَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحَانِيُونَ الصَّافُونَ  
 الْمُسَبِّحُونَ وَ بِأَسْمَائِهِ الَّتِي لَا تَنْسَى وَ بِوَجْهِهِ الَّذِي لَا يَبْلَى وَ بِنُورِهِ الَّذِي لَا يُطْفِئُ وَ بِعِزَّتِهِ الَّتِي لَا تَرَامُ وَ بِقُدْرَتِهِ الَّتِي لَا  
 تُضَامُ وَ بِمُلْكِهِ الَّذِي لَا يَزُولُ وَ بِسُلْطَانِهِ الَّذِي لَا يَتَغَيَّرُ وَ بِالْعَرْشِ الَّذِي لَا يَتَحَرَّكُ وَ بِالْكُرْسِيِّ الَّذِي لَا يَزُولُ وَ بِالْعَيْنِ الَّتِي  
 لَا تَنَامُ وَ بِالْإِظْفَانِ الَّذِي لَا يَسْهُو وَ بِالْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَ بِالْقَيُّومِ الَّذِي لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَ لَا نَوْمٌ وَ بِالْأَسْمِ الَّذِي تُسَبِّحُ لَهُ  
 السَّمَوَاتُ وَ الْأَرْضُونَ بِأَطْرَافِهَا وَ الْبِحَارُ بِأَمْوَاجِهَا وَ الْحَيَاتَانُ فِي بِحَارِهَا وَ الْأَشْجَارُ بِأَغْصَانِهَا وَ النُّجُومُ بِزِينَتِهَا وَ الْوُحُوشُ  
 فِي قَفَارِهَا وَ الطُّيُورُ فِي أَوْكَارِهَا وَ النَّحْلُ فِي أَحْجَارِهَا وَ النَّمْلُ فِي مَسَاكِينِهَا وَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ فِي أَفْلَاكِهِمَا وَ كُلُّ شَيْءٍ  
 يُسَبِّحُ بِحَمْدِ رَبِّهِ فَسُبْحَانَهُ يُمِيتُ الْخَلَائِقَ وَ لَا يَمُوتُ مَا أَبْتَيْنُ نُورَهُ وَ أَكْرَمَ وَجْهَهُ وَ أَجَلَّ ذِكْرَهُ وَ أَقْدَسَ قُدْسَهُ وَ أَحَمَدَ  
 حَمْدَهُ وَ أَنْفَدَ أَمْرَهُ وَ أَقْدَرَ قُدْرَتَهُ عَلَى مَا يَشَاءُ وَ أَنْجَزَ وَعْدَهُ تَعَالَى عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ غُلُوبًا كَبِيرًا لَيْسَ لَهُ شَبِيهٌ وَ لَيْسَ

كَمَثَلِهِ شَيْءٌ - لَهُ الْخَلْقُ وَ الْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ [أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ] وَ بِالِاسْمِ الَّذِي قَرَّبَ بِهِ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ  
 وَ آلِهِ حَتَّى جَاوَزَ سِدْرَةَ الْمُنْتَهَى فَكَانَ مِنْهُ كَقَابِ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى وَ بِالِاسْمِ الَّذِي جَعَلَ النَّارَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ بَرْدًا وَ سَلَامًا وَ  
 وَهَبَ لَهُ مِنْ رَحْمَتِهِ إِسْحَاقَ وَ بَرَحْمَتِهِ الَّذِي أُوتِيَ بِهَا يَعْقُوبُ الْقَمِيصَ فَ آقَاهُ عَلَى وَجْهِهِ فَارْتَدَّ بَصِيرًا - وَ بِالِاسْمِ الَّذِي  
 يُنْشِئُ السَّحَابَ الثَّقَالَ. وَ يُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَ الْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ وَ بِالِاسْمِ الَّذِي كَشَفَ بِهِ ضُرَّ أَيُّوبَ وَ اسْتَجَابَ بِهِ  
 لِيُونُسَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ وَ بِالِاسْمِ الَّذِي وَهَبَ لِزَكَرِيَّا يَحْيَى نَبِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَنْعَمَ عَلَى عَبْدِهِ عِيسَى ابْنِ  
 مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذْ عَلَّمَهُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ - وَ جَعَلَهُ نَبِيًّا مُبَارَكًا مِنَ الصَّالِحِينَ وَ بِالِاسْمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ جِبْرَائِيلُ فِي  
 الْمُفْرَبِينَ وَ دَعَاكَ بِهِ مِيكَائِيلُ وَ إِسْرَافِيلُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَاسْتَجَبْتَ لَهُمْ وَ كُنْتَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ قَرِيبًا مُجِيبًا وَ بِاسْمِكَ  
 الْمَكْتُوبِ فِي اللُّوحِ الْمَحْفُوظِ وَ بِاسْمِكَ الْمَكْتُوبِ فِي الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ وَ بِاسْمِكَ الْمَكْتُوبِ فِي لِيَاءِ الْحَمْدِ الَّذِي  
 أَعْطَيْتَهُ نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ وَعَدْتَهُ الْحَوْضَ وَ الشَّفَاعَةَ وَ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ وَ بِاسْمِكَ الَّذِي فِي  
 الْحِجَابِ عِنْدَكَ لَا يُضَامُ الْحِجَابُ عَرْشِكَ وَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَطْوِي بِهِ السَّمَاوَاتِ كَطَيِّ السَّجْلِ لِلْكِتَابِ وَ بِاسْمِكَ الَّذِي  
 تَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِكَ وَ تَغْفُو عَنْ السَّيِّئَاتِ وَ بَوَجْهِكَ الْكَرِيمِ أَكْرَمِ الْوُجُوهِ وَ بِمَا تَوَارَتْ بِهِ الْحُجُبُ مِنْ نُورِكَ وَ بِمَا  
 اسْتَقَلَّ بِهِ الْعَرْشُ مِنْ بَهَائِكَ يَا إِلَهَ مُحَمَّدٍ وَ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ يُوسُفَ وَ الْأَسْبَاطِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ  
 يَا رَبَّ جِبْرَائِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ وَ عِزْرَائِيلَ وَ رَبَّ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ مُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الزَّبُورِ وَ الْفُرْقَانِ  
 الْعَظِيمِ أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ سَمِيَّتٌ بِهِ نَفْسُكَ [نَفْسُكَ بِهِ] أَوْ أَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابٍ مِنْ كِتَابِكَ أَوْ عَلَّمْتَهُ أَحَدًا مِنْ  
 خَلْقِكَ أَوْ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ يَا وَهَّابَ الْعَطَايَا يَا فَكَكَ الرَّقَابِ مِنَ النَّارِ وَ طَارِدَ الْعُسْرِ مِنَ الْعَسِيرِ كُنْ  
 شَفِيعِي إِلَيْكَ إِذْ كُنْتَ دَلِيلِي عَلَيْكَ وَ بِالِاسْمِ الَّذِي يُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ - وَ يُبْطِلُ الْبَاطِلَ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ وَ بِالِاسْمِ  
 الَّذِي يُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَ الْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ وَ بِاسْمِكَ الْمَكْتُوبِ عَلَى أَجْنَحَةِ الْكُرُوبِيِّينَ وَ بِأَسْمَائِكَ الَّتِي تُحْيِي بِهَا  
 الْعِظَامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ وَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَ بِأَسْمَائِكَ الْمَكْتُوباتِ عَلَى عَصَا مُوسَى وَ بِاسْمِكَ  
 الَّذِي تَكَلَّمَ بِهِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى سَحْرَةِ مِصْرَ فَأَوْحَيْتَ إِلَيْهِ لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى وَ بِأَسْمَائِكَ الْمَنْقُوشَاتِ  
 عَلَى خَاتَمِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الَّتِي مَلَكَ بِهَا الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ وَ الشَّيَاطِينَ وَ أَذَلَّ بِهَا إِبْلِيسَ وَ جُنُودَهُ وَ بِالْأَسْمَاءِ  
 الَّتِي نَجَّا بِهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ نَارِ نَمْرُودَ وَ بِالْأَسْمَاءِ الَّتِي رَفَعَ بِهَا إِدْرِيسُ مَكَانًا عَلِيًّا وَ بِالْأَسْمَاءِ الْمَكْتُوباتِ عَلَى  
 جَبْهَةِ إِسْرَافِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ بِالْأَسْمَاءِ الْمَكْتُوباتِ عَلَى دَارِ قُدْسِهِ وَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ دَعَا اللَّهُ بِهِ نَبِيٌّ مُرْسَلٌ أَوْ  
 مَلَكٌ مُقَرَّبٌ أَوْ عَبْدٌ مُؤْمِنٌ وَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي شَيْءٍ مِنْ كِتَابِهِ وَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ مَخْزُونٌ فِي عِلْمِهِ وَ بِأَسْمَائِهِ  
 الْمَكْتُوباتِ فِي اللُّوحِ الْمَحْفُوظِ وَ بِالِاسْمِ الَّذِي خَلَقَ بِهِ جِبَلَاتِ الْخَلْقِ كُلَّهُمْ وَ بِاسْمِ اللَّهِ الْأَكْبَرِ الْكَبِيرِ الْأَجَلِّ الْعَجَلِيلِ

الْأَعَزُّ الْعَزِيزُ الْأَعْظَمُ الْعَظِيمُ وَبِأَسْمَائِهِ كُلِّهَا الَّتِي إِذَا ذُكِرَ بِهَا ذَلَّتْ فَرَائِصُ مَلَائِكَتِهِ وَسَمَائِهِ وَأَرْضِيهِ وَجَنَّتِهِ وَنَارِهِ وَبِأَسْمِهِ  
الْأَعْظَمِ الَّذِي عَلَّمَهُ آدَمَ فِي جَنَاتِ عَدْنٍ وَصَلَّى اللَّهُ وَ مَلَائِكَتُهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَعَلَى جَمِيعِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ اللَّهُمَّ  
فَبِحُرْمَةِ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ وَبِحُرْمَةِ تَفْسِيرِهَا فَإِنَّهُ لَا يَعْلَمُ تَفْسِيرَهَا غَيْرُكَ أَنْ تَسْتَجِيبَ دُعَائِي وَارْحَمْ تَضَرُّعِي وَادْخُلْنِي فِي  
عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَمَا بَيْنَهُمَا مَغْفِرَةً وَرَحْمَةً- وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ وَتَوَقَّفْنَا مَعَ  
الْأَبْرَارِ- وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ- وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ  
قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ<sup>١</sup>

تعجيل در فرج امام زمان (عج) صلوات

<sup>١</sup> ابن طاووس، علي بن موسى، مهج الدعوات و منهج العبادات، ١ جلد، دار الذخائر - قم، چاپ: اول، ١٤١١ ق.